

بسم الله الرحمن الرحيم

www.ketab.ir

تحریری، محمدباقر، ۱۳۳۴ -

عروج عقل: شرح حدیث جنود عقل و جهل / محمدباقر تحریری. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۸.

۲ ج. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۶۴۲) (کلام و عقاید: ۲۷۴. کلام استدلالی: ۸۱)

(ج. ۱) ۰ - ۱۹۳۳ - ۰۹ - ۹۶۴ - ISBN 978 / (دوره) 3 - ۱۹۳۲ - ۰۹ - ۹۶۴ - ISBN 978

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

چاپ قبلی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.

کتاب‌نامه: ص. [۶۷۵] - ۶۸۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. احادیث خاص (جنود عقل و جهل). ۲. عقل و ایمان (اسلام). - احادیث. ۳. جهل (فقه). - احادیث. ۴. اخلاق اسلامی. ۵. صفات رذیله. ۶. صفات حمیده. ۷. فضیلت. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان. ج. شرح حدیث جنود عقل و جهل.

۲۹۷ / ۲۱۸

BP ۱۱۵ / ج ۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۲۰۰۲۱۰

۱۳۹۸

■ موضوع: کلام استدلالی: ۸۱ (کلام و عقاید: ۲۷۴).

■ گروه مخاطب: - تخصصی (پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه).

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۶۴۲

مسیلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۰۳۲

عروج عقل

شرح حدیث جنود عقل و جهل

جلد اول

محمد باقر تحریری

بوسه
۱۳۹۸



عروج عقل / ج ۱

شرح حدیث جنود عقل و جهل

• مؤسسه: محمدباقر تحریری

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

• لیتوگرافی، چاپ و صفحه‌آرایی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸ • شمارگان: ۵۰۰ • بها: ۸۷۰۰۰ تومان • بهای دوره: ۱۷۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک این کتاب به مؤسسه بوستان کتاب است

printed in the Islamic Republic of Iran

❖ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفاییه)، ص پ ۳۷۱۸۵/۹۱۷، تلفن: ۰۷۴۲۱۵۵-۲، نمابر: ۳۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۷۴۳۴۲۶

❖ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ تن کتبا با مکاری ۱۷۰ تاشر)

❖ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلس، پلاک ۹۵۱، تا: ۶۶۹۶۹۸۷۸

❖ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲

❖ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۳۲۲۲۰۲

❖ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نیویان ارس، تلفن: ۳۷۷۴۳۱۷۹

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۰۷۴۲۱۵۵ ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و سرویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار • ویراستار: مهدی خلیلیان

• اصلاحات حروف و نگاری: منا جمیل‌پور • صفحه‌آرایی: سکینه ملازاده و احمد مؤتمنی

• نمونه خوانی: محمدجواد مصطفوی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی‌منش

• کارشناس طراحی و گرافیک: مسعود نجابتی • طراح جلد: محمدعلی خفاجی • اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری

• اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی

رئیس مؤسسه

محمدباقر انصاری

فهرست مطالب

۱۹	پیش‌گفتار
۲۰	ماهیت انسان
۲۳	کمال انسان از دیدگاه اسلام
۳۱	فصل اول
۳۱	معرفی عقل و جهل
۳۳	اهمیت عقل
۳۵	معانی عقل در گفتار عالمان
۳۸	دیدگاه‌ها در خلقت عقل و جهل
۴۵	ایجاد عقل و جهل از دیدگاه ائمه علیهم‌السلام
۵۳	فصل دوم
	الْخَيْرُ وَهُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ وَ جَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرَّ وَهُوَ وَزِيرُ الْجَهْلِ / خیر، وزیر عقل و شر، وزیر
۵۳	جهل
۵۳	معنای خیر و شر
۵۶	تمایل عقل به خیرات
۵۸	تمایل جهل به بدی‌ها

۶۱	مصادیق و مراتب خیر
۶۵	مصادیق و آثار شر
۷۰	بهشت و جهنم؛ مظهر عقل و جهل
۷۵	فصل سوم
۷۵	الایمان و ضده الکفر / ایمان و ضد آن کفر
۷۵	معنای ایمان و تفاوت آن با اسلام
۷۹	معنای ایمان از دیدگاه ائمه علیهم السلام
۸۵	راه تحصیل ایمان
۸۹	نقش ایمان در تکامل نفس
۹۲	مراتب ایمان
۱۰۱	اتصاف به اوصاف حسنه و دوری از ذایل
۱۱۷	کفر و مراتب آن
۱۲۰	کفر؛ سپاه اساسی جهل
۱۲۳	فصل چهارم
۱۲۳	التصديق و ضده الجحود / تصدیق و ضد آن انکار
۱۲۳	معانی تصدیق
۱۲۵	منشأ حصول تصدیق
۱۲۸	آثار تصدیق
۱۳۳	انکار و سبب آن
۱۳۶	آثار انکار
۱۴۱	فصل پنجم
۱۴۱	و الرجاء و ضده القنوط / امید و ضد آن یأس
۱۴۱	امید به خداوند و سبب پیدایی آن

فهرست مطالب

۱۴۵	تفاوت امید و غرور
۱۴۹	حالت امیدواری مطلوب
۱۵۲	ناامیدی از رحمت الهی و اسباب آن
۱۵۹	فصل ششم
۱۵۹	والعدل و ضده الجور / عدل و ضد آن جور
۱۵۹	معنا و حقیقت عدل
۱۶۰	انواع عدل
۱۶۳	عقل اساس عدالت
۱۶۵	عادل ترین انسان ها
۱۶۷	لزوم تعدیل نرای باطلی انسان
۱۶۹	لزوم تربیت قوای ادراکی
۱۷۵	عدالت؛ اساس ایمان
۱۸۰	ظلم و جور و اسباب آن
۱۸۷	راه تحصیل عدالت و دوری از ظلم
۱۸۹	فصل هفتم
۱۸۹	و الرضا و ضده السخط / خشنودی و ضد آن کراهت
۱۸۹	خشنودی از خداوند و منشأ آن
۱۹۱	مراتب خشنودی از خداوند
۱۹۶	لوازم خشنودی از خداوند
۲۰۲	آثار خشنودی از خداوند
۲۱۰	حقیقت خشنودی خدا از بنده
۲۱۳	کراهت به پروردگار و منشأ آن
۲۱۵	مراتب کراهت انسان

۲۱۹	فصل هشتم
۲۱۹	و الشکر و ضده الکفران / شکر و ضد آن کفران نعمت
۲۱۹	حقیقت شکر و منشأ آن
۲۲۲	انواع شکر
۲۲۷	شکر حقیقی و ارکان آن
۲۳۴	مراتب شکر
۲۴۰	آثار و لوازم شکر
۲۴۶	کفران نعمت و منشأ آن
۲۴۸	آثار کفران نعمت
۲۵۵	فصل نهم
۲۵۵	الطمع و ضده الیأس / طمع به خداوند و ضد آن یأس از او
۲۵۵	طمع ممدوح و منشأ آن
۲۵۹	انواع طمع ممدوح
۲۶۱	یأس از رحمت الهی و منشأ آن
۲۶۳	فصل دهم
۲۶۳	و التوکل و ضده الحرص / توکل و ضد آن حرص
۲۶۳	معنای توکل و حقیقت آن
۲۶۴	منشأ توکل
۲۶۴	ارکان توکل
۲۶۴	مراتب توکل
۲۷۶	رابطه توکل با فعالیت های انسان
۲۷۹	آثار توکل
۲۸۷	حرص و منشأ آن

فهرست مطالب

فصل یازدهم	۲۹۱
و الزّافّة و ضدّها القسوة / رأفت و مهربانی و ضدّ آن قساوت	۲۹۱
معنای رأفت و منشأ آن	۲۹۱
رأفت: ظهور صفت جمال الهی	۲۹۲
فضایل اظهار صفت رأفت	۲۹۵
محدوده اظهار رأفت	۲۹۷
آثار اظهار رأفت	۳۰۱
قساوت و منشأ آن	۳۰۳
اسباب قساوت قلب	۳۰۵
فصل دوازدهم	۳۱۱
الرّحمة و ضدّها الغضب / رحمت و ضدّ آن غضب	۳۱۱
رحمت و انواع آن	۳۱۱
منشأ و ابعاد ظهور صفت رحمت	۳۱۳
آثار اظهار رحمت	۳۱۵
آثار ترحم نکردن	۳۱۸
تحلیل حالت غضب	۳۱۹
انواع غضب	۳۲۰
آثار غضب و کنترل آن	۳۲۳
شیوه‌های جلوگیری از غضب	۳۲۷
فصل سیزدهم	۳۳۱
و العلم و ضدّه الجهل / علم و ضدّ آن جهل	۳۳۱
اهمیت علم و علت آن	۳۳۱
فضیلت علم	۳۳۴

۳۳۷	انواع علم
۳۴۰	علم مطلوب از دیدگاه شرع
۳۴۷	اوصاف عالم
۳۵۲	آفات علم
۳۵۷	جهل و آثار آن
۳۶۱	فصل چهاردهم
۳۶۱	الفهم و ضدّه الحمق / فهمیدن و ضدّ آن بی‌خردی
۳۶۱	حقیقت فهم
۳۶۱	منشأ فهمیدن و آثار آن
۳۶۳	زمینه‌های رشد فهم
۳۶۴	علت ترغیب دین به کسب علم
۳۶۷	بی‌خردی و لوازم آن
۳۶۷	نشانه‌های بی‌خردی
۳۶۹	آثار بی‌خردی
۳۷۳	فصل پانزدهم
۳۷۳	العفة و ضدّها التهنك / خویشتن‌داری و ضدّ آن بی‌مبالایی
۳۷۳	معنا و تحلیل عفت
۳۷۴	سفارش دین به تعدیل قوای شهوانی
۳۷۶	فضایل صفت عفت
۳۷۷	زمینه‌های حصول عفت
۳۸۰	آثار عقیف بودن
۳۸۲	بی‌مبالائی و منشأ آن
۳۸۵	آثار بی‌مبالائی

فهرست مطالب

۳۹۵	فصل شانزدهم
۳۹۵	و الزَّهْدُ وَ ضَدُّهُ الرِّغْبَةُ / زهد و ضَدَّ آن رغبت داشتن
۳۹۵	حقیقت زهد و منشأ آن
۳۹۶	انواع زهد
۳۹۹	فضیلت زهد
۴۰۰	اسباب حصول زهد
۴۰۳	مراتب زهد
۴۱۴	زهد حقیقی
۴۱۹	زهد حقیقی با ظهور قرب الهی
۴۲۱	آثار زهد
۴۲۵	میل به دنیا و منشأ آن
۴۲۸	آثار شیفتگی به دنیا
۴۳۳	فصل هفدهم
۴۳۳	و الرِّفْقُ وَ ضَدُّهُ الْخُرْقُ / نرمی و ملایمت و ضَدَّ آن خشونت
۴۳۳	منشأ و فضیلت رفق
۴۳۵	اهمیت صفت رفق
۴۳۷	ابعاد صفت رفق
۴۳۹	محدوده اجرا کردن رفق
۴۴۱	آثار رفق
۴۴۳	خشونت و آثار آن
۴۴۷	فصل هجدهم
۴۴۷	و الرَّهْبَةُ وَ ضَدُّهُ الْجَرَأَةُ / خوف و ضَدَّ آن جرئت
۴۴۷	امتیاز رهبت از خوف و خشیت

۴۴۷	تحلیل معنای خوف و انواع آن
۴۵۰	منشأ رَهَبَت و خوف ممدوح
۴۵۲	مراتب خوف
۴۶۵	آثار خوف از خداوند
۴۷۲	جبرئ و منشأ آن
۴۷۷	فصل نوزدهم
۴۷۷	و التواضع و ضدّه الکبر / تواضع و ضدّ آن کبر
۴۷۷	معنا و خاستگاه تواضع
۴۷۸	فضیلت تواضع
۴۸۰	انواع تواضع
۴۸۵	نشانه‌های تواضع
۴۸۷	آثار تواضع
۴۹۰	شایستگیان داشتن تواضع
۴۹۵	کبر و نکوهش آن
۴۹۷	منشأ و آثار کبر
۵۰۲	نشانه‌های تکبر
۵۰۵	مراتب کبر
۵۰۹	راه‌های علاج کبر
۵۱۵	فصل بیستم
۵۱۵	و التَّوَدُّع و ضدّها التَّسَرُّع / تأنی و آرامش و ضدّ آن سرعت گرفتن
۵۱۵	معانی لغات این فراز
۵۱۵	احتمالات معنای این فراز
۵۱۹	فصل بیست و یکم
۵۱۹	الحلم و ضدّها السَّهْف / حلم و ضدّ آن بی‌عقلی

فهرست مطالب

۵۱۹	معنا و منشأ حلم
۵۲۱	حلم، صفت کمالی خداوند
۵۲۳	روش‌های تحصیل حلم
۵۲۶	محدوده و لوازم حلم
۵۲۸	آثار حلم
۵۳۲	سفاهت و حقیقت آن
۵۳۴	آثار ساهت
۵۳۹	فصل بیست و دوم
۵۳۹	و الضَّمَّتْ وَ ضَدَّ الْهَارَ / صمت و ضَدَّ آن لغوگویی
۵۳۹	معنا و فضیلت صمت
۵۴۳	آثار صمت
۵۴۶	بیهوده‌گویی و آثار آن
۵۴۶	آثار بیهوده‌گویی
۵۴۹	فصل بیست و سوم
۵۴۹	الاستسلام و ضده الاستکبار / اظهار اطاعت از حق و ضد آن اظهار سرکشی
۵۴۹	معنا و اهمیت استسلام
۵۵۰	مراتب استسلام و آثار آن
۵۵۲	استکبار و نکوهش آن
۵۵۵	فصل بیست و چهارم
۵۵۵	و التَّسْلِيمِ وَ ضَدَّهُ الشَّكُّ / تسلیم در برابر حق و ضد آن شک
۵۵۵	معنای تسلیم و مرتبه آن
۵۵۷	مراتب تسلیم
۵۶۲	شك و منشأ آن

- ۵۶۳ تأثیر تفکر در زدودن شک
- ۵۶۵ راه دیگر در زدودن شک
- ۵۶۷ جایگاه وسوسه در پیدایی شک
- ۵۶۸ راه‌های ورود شک در قلب
- ۵۷۷ فصل بیست و پنجم
- ۵۷۷ وَالصَّبْرُ وَضِدُّهُ الْجَزَعُ / صبر و ضد آن بی‌تابی
- ۵۷۷ معنا و منشأ صبر
- ۵۷۹ اهمیت و فضیلت صبر
- ۵۸۱ انواع بلاها و صبر در آن‌ها
- ۵۸۸ آثار صبر بر بلاها
- ۵۹۲ نشانه‌های صابران
- ۵۹۴ جزع و منشأ آن
- ۵۹۷ انواع جزع
- ۵۹۸ آثار جزع مذموم
- ۶۰۱ فصل بیست و هشتم
- ۶۰۱ وَالصَّفْحُ وَضِدُّهُ الْإِنْتِقَامُ / صرف‌نظر کردن و ضد آن انتقام گرفتن
- ۶۰۱ معنا و منشأ صفح
- ۶۰۲ فضیلت چشم‌پوشی از خطای دیگران
- ۶۰۴ محدوده اظهار صفت عفو
- ۶۰۷ آثار صفت عفو
- ۶۰۹ انتقام و منشأ آن
- ۶۱۳ فصل بیست و هفتم
- ۶۱۳ وَالْغِنَى وَضِدُّهُ الْفَقْرُ / بی‌نیازی و ضد آن نیازمندی

۶۱۳	معنا و منشأ غنی
۶۱۵	آثار غنای نفس
۶۱۸	معانی فقر و فقر مذموم
۶۲۱	فصل بیست و هشتم
۶۲۱	التذکر و ضده السهو / یادآوری و ضد آن غفلت
۶۲۱	معنای تذکر و منشأ آن
۶۲۲	حایکاه نبیاء الهی
۶۲۴	اسباب تذکر
۶۲۶	نشانه های تذکر
۶۲۸	غفلت و منشأ آن
۶۳۰	نشانه و آثار غفلت
۶۳۳	فصل بیست و نهم
۶۳۳	والحفظ و ضده التسیان / حفظ و ضد آن فراموشی
۶۳۳	معنای حفظ و منشأ آن
۶۳۵	نشانه نگهداری
۶۳۸	آثار نگهداری
۶۳۹	معنای فراموشی
۶۴۰	اسباب فراموشی
۶۴۵	فصل سی ام
۶۴۵	والتعطّف و ضده القطیعة / مهربانی کردن و ضد آن قطع کردن
۶۴۵	حقیقت مهربانی
۶۴۶	اسباب مهربانی
۶۴۹	سفارش های امام سجّاد علیه السلام

عروج عقل/ ج ۱

۶۵۲	نکوهش قطع کردن
۶۵۵	فصل سی و یکم
۶۵۵	و القنوع و ضده الحرص / قناعت و ضد آن حرص
۶۵۵	معنا و منشأ قناعت
۶۵۶	فضیلت قناعت
۶۵۷	آثار قناعت
۶۵۹	حرص و نکوهش آن
۶۶۱	آثار حرص
۶۶۵	فصل سی و دوم
۶۶۵	و المواساة و ضدها المنع / رسیدگی به دیگران و ضد آن منع کردن
۶۶۵	مواسات و فضیلت آن
۶۶۷	ویژگی های مواسات
۶۶۸	آثار مواسات
۶۷۰	نکوهش منع خیر از دیگران
۶۷۳	فصل سی و سوم
۶۷۳	و المودة و ضدها العداوة / دوستی کردن و ضد آن دشمنی کردن
۶۷۳	منشأ مودت
۶۷۴	فضیلت مودت
۶۷۵	اسباب مودت
۶۷۶	انواع مودت
۶۷۹	نکوهش عداوت
۶۸۰	منشأ عداوت
۶۸۱	آثار عداوت

۶۸۵	فصل سی و چهارم
۶۸۵	و الوفاء و ضدّه الغدر / وفا به عهد و ضدّ آن پیمان شکنی
۶۸۵	منشأ وفای به عهد
۶۸۵	فضیلت وفای به عهد
۶۸۷	گستره وفای به عهد
۶۸۸	آثار وفای به عهد
۶۹۱	نگرهِش پیمان شکنی
۶۹۳	کتاب نامه

پیش‌گفتار

پیش از ورود به شرح حدیث شریف جنود عقل و جهل، لازم است نکته‌هایی درباره سیر تدوین کتاب حاضر یادآوری کنم.

این مباحث، دست‌نوشته‌های برجای‌مانده مرحوم پدرم، عاشق دل‌سوخته و عارف اصل، حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمود تحریری رحمته‌الله، بود که حدود سال ۱۳۶۴ به صورت درس‌هایی مستمر در جلسه‌های اخلاقی در تهران منزل صدیق باوفا و مخلص حاج آقا سیدباقر هاشمی آن را آغاز کرد و تا رحلت ایشان در سال ۱۳۶۸ ادامه داشت و این حقیر آن را تا سال ۱۳۷۲ پی‌گرفتم.

پس از پایان جلسات، دوستان تقاضای انتشار آن را کردند تا مانند کتاب سیمای مخبتین (شرح زیارت امین‌الله) به دست علاقه‌مندان برسد. از این رو در صدد برآمدیم این یادگار ایشان را نیز چون دیگر اثرش که به قلم و تنظیم حقیر بوده و برگرفته از روش استاد و مربی بزرگ خود یعنی مفسر کبیر قرآن کریم، عارف کامل یگانه مربی اخلاق و معنویت، حضرت آیت‌الله العظمی سید محمد حسین طباطبائی - رحمه الله علیه و حشره الله مع القرآن والائمة -، چاپ کنیم.

محتوای این مباحث اگرچه بر توجه فضایل و رذایل اخلاقی تکیه می‌کند، بر محور حدیث شریف عقل و جهل شکل گرفته، بدین ترتیب که مبانی اخلاقی والایی را با دیدگاهی خاص ارائه می‌دهد و آن اساس بودن ایمان است، زیرا حقیقت انسان (عقل) بر این محور است و ظهور می‌کند و شاخ و برگ‌های آن (فضایل انسانی) ظهوردهنده ایمان در شئون مختلف زندگی است؛ به گونه‌ای که هر یک از فضایل نفسانی ظهور و نمود توحید در وجود انسان و جامعه و نیز منشأ رسیدن به حقیقت توحید است.

البته بر کسی پوشیده نیست که روش استاد علامه طباطبائی همان طریقه تفسیر قرآن با قرآن با استفاده از روایات است که در این کتاب با استفاده از همین روش، روایات مناسب هر بخش و تحلیل صحیح آن‌ها بیان شده و با جمع بین ادلله مختلف هر باب، حدیث شریف عقل و جهل را شرح کرده است.

امید می‌رود ما نیز با بهره‌گیری از دستمدهای نوشتار در دست و با اخلاص و خلوص، کاملاً به اوصاف عقل متصف شده و آن را در همه حالات زندگی به کاربریم و حضرت حق و اولیایش نیز کوشش ما را در به ثمر رساندن این بضاعت مزجات، مورد قبول عنایت‌های خود قرار دهند.

ماهیت انسان

توضیح این مطلب در یک یا چند کتاب نیز نمی‌گنجد، زیرا دانشمندان در طول تاریخ، نظریه‌هایی مختلف درباره‌اش داده‌اند و هریک با دیدگاه خود انسان را تعریف کرده و علت اختلاف نظرها پیچیدگی خاص وجود اوست. اما قبل از مراجعه به نظریه‌های گوناگون و سرگردانی در آن‌ها اگر اندکی در خود تأمل و تفکر کنیم و خود را با دیگر موجودات مرتبط با

آنها بسنجیم تا حدودی به حقایق وجودی خویش پی برده و هدف حقیقی از خلقت انسان را کشف خواهیم کرد؛ به گونه‌ای که در می‌یابیم از نظر هستی و شئون آن از قبیل علم و آگاهی، قدرت، اراده، اختیار و کمال طلبی؛ چه از جهت مقدار و چه از نظر کیفیت با دیگر موجودات قابل مقایسه نیستیم؛ به گونه‌ای که اکتشافات علمی و اختراعات تا امروز گوشه‌ای از این نمودار بوده و شاهد مدعاست.

البته کامل‌ترین و محکم‌ترین راه برای پی بردن به حقیقت انسان مراجعه به خالق اوست؛ همو که به تمام حقیقت انسان آگاه است. قرآن کریم خلقت هر چیزی را از سوی خدای متعال زیبا می‌داند،^۱ اما در خصوص خلقت انسان می‌فرماید:

«وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ»^۲

و خداوند شما را صورت داد؛ پس صورتتان را زیبا قرار داد.

درباره او به ملائکه می‌فرماید:

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۳

می‌خواهم در زمین جانشین قرار دهم.

و پس از سؤال ملائکه از خدای متعال که: آیا موجودی زمینی شایستگی خلافت تو را دارد و حال آن‌که مفسد و خون‌ریز است؟ و ما (ملائکه) موجودهایی پاک و معصومیم^۴ که تسبیح گو و تقدیم کنندات از نقایص و عیوب هستیم، و به حسب ظاهر شایستگی این خلافت را نیز

۱. سجده، آیه ۷.

۲. تغابن، آیه ۳ و غافر، آیه ۶۴.

۳. بقره، آیه ۳۰.

۴. تحریم، آیه ۶.

داشتند. حق تعالی در جواب آنان پرده از جهلشان برداشت و با نشان دادن اثری از آثار وجودی انسان به آن‌ها، و این‌که او توان آگاهی به حقایق عالم و غیب آسمان‌ها و زمین را دارد، این حقیقت را آشکار کرد و به ملائکه با آن عظمت فهماند که از چنین توان و مرتبه وجودی محرومند.^۱

بنابراین، خداوند پس از خلقت خاص انسان به ملائکه امر به خضوع در برابر او کرد:

«وَإِذَا سُوِّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^۲

و وقتی (حضرت آدم)، را متساوی الخلقه قرار دادم و در او از روح خود دمیدم در برابرش سجده بیفتید.

و چون حضرت آدم علیه السلام تمام انسانیت است: امر به خضوع - سجده نمودار تمام خضوع است - در برابر او، درحقیقت، برای انسانیت بوده است که خداوند فرمود:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ»^۳

و به تحقیق شما را خلق کردیم، سپس صورت دادیم و به ملائکه گفتیم: به آدم سجده کنید.

و به سبب ارتباط خاص این مرتبه از وجود با عالم غیب، خداوند پس از خلقت او، خود را به عظمت می‌ستاید.^۴

هم‌چنین در مقام بیان عظمت او دیگر موجودات را از تحمل بار امانت

۱. بقره، آیات ۳۱-۳۳.

۲. حجر، آیه ۲۹ و ص، آیه ۷۲.

۳. اعراف، آیه ۱۱.

۴. مؤمنون، آیه ۱۴.

خویش عاجز دانسته، فقط انسان را شایسته تحمل آن معرفی فرموده^۱ و نیز او را تکریم کرده و بر اکثر مخلوقاتش برتری داده است.^۲

از نشانه‌های این برتری، مقدمه قرار گرفتن همه موجودات برای خلقت انسان و این‌که آن‌ها برای اوست.^۳ و افزون بر هدایت^۴ جمیع موجودات، به کمال مناسب خودشان، او را هدایت^۵ ویژه‌ای فرمود.

و با توجه به محدوده اراده و انتخاب او، در آیات بسیاری می‌فرماید: ما او را آن گونه قرار دادیم که می‌تواند نهایت درجه کمال و قرب الهی^۶ را اختیار کند و به عالمی‌ترین مراحل کمال و سعادت برسد تا جایی که به او خطاب^۷ می‌شود: بنده من! بیا در جوار من. و هم‌چنین می‌تواند نهایت ضد آن را برگزیده و خود را به پایین‌ترین مراحل شقاوت و سقوط از حقیقت انسانیت برساند تا از چهارپایان^۸ و پایین‌تر رود^۹ و خالقش برای او تقاضای مرگ کند.^{۱۰}

کمال انسان از دیدگاه اسلام

با اندکی دقت در وجود خویش در می‌یابیم که انسان پیچیدگی‌هایی

۱. احزاب، آیه ۷۲.

۲. اسراء، آیه ۷۰.

۳. بقره، آیه ۲۹ و نحل، آیه ۸۱.

۴. طه، آیه ۵۰ و اعلیٰ، آیه ۳.

۵. بلد، آیه ۱۰ و انسان، آیه ۳.

۶. انسان، آیه ۳؛ احزاب، آیات ۷۲-۷۳ و تغابن، آیه ۲.

۷. فجر، آیات ۲۸-۳۰.

۸. اعراف، آیه ۱۷۹ و فرقان، آیه ۴۴.

۹. عبس، آیه ۷.

خاص دارد و حقیقت او بسته به روابط غیر قابل شمارش وی با موجودات است و نه فقط روابط ظاهری و مادی که علوم تجربی از آن پرده برمی دارد بلکه روابط روانی و اجتماعی که نوعاً علوم انسانی از آن سخن می گوید و برتر از همه، روابط فوق مادی و روانی نیز بر وی حاکم است که چاره‌ای از آن ندارد و همواره او را در این کشمکش‌ها قرار داده است، زیرا تمایلات و درک‌های دیگری نیز دارد که هیچ‌گاه آرامش نمی‌گذارد، مانند کمال مطلق خواهی، خیر مطلق خواهی و درک وابستگی وجودی به کمال مطلق علاوه بر درک وابستگی به کمالات محدودی که از موجودات طلب می‌کند. چون کمال هر موجودی رسیدن به خواص وجودی خود است، کمال انسان نیز به ظهور همه چیزهایی است که خداوند در نهادش نهاده است؛ یعنی افزون بر حفظ روابط محدود با موجودات ناقص و وابسته تمایلات و روابط عالیه‌ای را که با کمال مطلق الهی نیز دارد، ظهور دهد. قرآن کریم همواره انسان را به این حقایق متذکر شده و کار انبیای الهی را ذکر و تذکر به مقتضای وجود انسان می‌داند، که او از آن غافل است:

«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۚ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»^۱

پس، ای پیامبر! تذکر بده، زیرا تو فقط مُذَكِّر هستی، تو بر آنان چیره نیستی

(که بخواهی فکر و ارادهٔ آن‌ها را سلب کنی).

همچنین کتاب‌های آنان را ذکر نامیده است و می‌فرماید:

«ای انسان! به سوی پروردگارت (که عمیق‌ترین و لطیف‌ترین روابط

۱. غاشیه، آیات ۲۱-۲۲.

۲. حجر، آیات ۶-۹ و انبیاء، آیات ۷-۴۸.

را با او داری) هرگونه که باشد در تلاش هستی تا به او برسی و ملاقاتش کنی.^۱

آری، اگر این تلاش آگاهانه باشد، به نتایج بسیار خوبی می‌انجامد، ولی اگر ناآگاهانه و نتیجه‌اش برخلاف جهت وجود او باشد، آثاری دردناک بر وی مترتب و ظاهر می‌شود.

قرآن کریم نیز دربارهٔ خلقت انسان و غایت وجودی‌اش می‌فرماید:
 أَفَلَمْ نَخْلُقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝ إِلَّا
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ^۲؛

«آیا ما انسان را در نیکوترین صورت خلق نکردیم، سپس او را در پایین‌ترین پایین‌ها برگردانیم» (قراردادیم)، جز کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، که برای آنان پاداش بی‌پایان خواهد بود.

از این آیه و دیگر آیات دریافت می‌شود که اگر انسان دارای بهترین صورت‌ها و نظام‌های ممکن است، الا خلقت او به خدای غنی^۳ مطلق و کمال محض و خیر^۴ بی‌نهایت مستند است؛ ثالثاً: خداوند قابلیت جانشینی از خود را به او عنایت کرده که حقایق عالم در وی منعکس شود و ثالثاً: این جانشینی فقط با ایمان و عمل صالح فعلیت می‌یابد و جانشینی انسان از خداوندی است که به همهٔ ذرات عالم و از جمله خود او عاطفهٔ کامل دارد؛ بنابراین، بدین معناست که انسان پس از تداوم و ثبات در ایمان و عمل صالح، پرده‌های غفلت از وجودش کنار رفته و حقایق در او ظاهر

۱. انشقاق، آیه ۶.

۲. تین، آیات ۴-۶.

۳. انعام، آیه ۱۳۳.

۴. طه، آیه ۷۳.

می‌شود که در می‌یابد خود و موجودات در هیچ شأنی از شئون هستی از خود چیزی ندارند، بلکه هر چه هست از غنی مطلق است و در قرآن کریم از این حقیقت به صالحین و امثال آن تعبیر شده که کنایه از صلاحیت و پاک شدن وجود آدمی از آلودگی‌های توجه به غیر حق تعالی است، لذا می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ»^۱

و کسانی که ایمان آورده و عمل صالح کنند، حتماً آنان را در صالحین داخل می‌کنم.

ظهور این حقایق همان حقیقت رجوع موجودات به خدای متعال است که در خصوص خلقت انسان پس از بیان حق بودن خلقت موجودات، می‌فرماید:

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»^۲

خداوند آسمان‌ها و زمین را برحق آفرید و شما را صورت داد، پس صورتتان را نیکو قرار داد و بازگشت به سوی اوست.

این تعبیرات حکایت از اهمیت وجود انسان دارد که کمال او در پرتو اعمال صالح شکل می‌گیرد؛ زیرا خداوند خلقت موجودات و خلقت^۴ موت و حیات و همچنین زینت^۵ داده شدن امور این عالم برای انسان را،

۱. عنکبوت، آیه ۹.

۲. تغابن، آیه ۳.

۳. هود، آیه ۷.

۴. ملک، آیه ۲.

۵. کهف، آیه ۷.

بدین علت معرفی کرده است. ظهور این حقایق، درحقیقت، بالا رفتن ایمان به واسطهٔ عمل صالح است که می‌فرماید:

«إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۱

کلمات پاکیزه (اعتقادات حق) به سوی خداوند بالا می‌رود و عمل صالح آن را

بالا می‌برد.

و بالا رفتن^۲ درجات انسان و دادن پاداش‌های^۳ نیکوتر از عمل به او، که قرآن به آن اشاره کرده، به همین معناست و، بالاتر از آن، این‌که خداوند مستقیم در وجود چنین بنده‌ای تصرف کرده و حجاب‌های بین خود و او را کنار می‌زند و خود و شئون وجودی خویش را، البته به اندازهٔ ظرفیت وجودی هر بنده از طریق خودشان، به آن‌ها نشان می‌دهد، پس، از این افراد به مخلصین (به فتح لام) تعبیر کرده، می‌فرماید:

«وَأَذْكُرْ عِبَادَةَ إِبْرَاهِيمَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ۖ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ يُحْكِرُ النَّارَ ۖ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ»^۴

و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که صاحبان دست‌ها (قدرت‌ها) و بینایی‌ها بودند، به راستی ما آنان را با یاد خالص عالم آخرت پاک کردیم، آن‌ها نزد ما از برگزیدگان نیکان هستند.

و چون انبیا درجاتی دارند^۵ و با این‌که همه از مخلصین و صالحین‌اند،^۶

۱. فاطر، آیه ۱۰.

۲. انعام، آیه ۸۳ و مجادله، آیه ۱۱.

۳. نحل، آیات ۹۶-۹۷ و نور، آیه ۳۸.

۴. ص، آیات ۴۵-۴۷.

۵. بقره، آیه ۲۵۳.

۶. انبیاء، آیه ۷۲.

قرآن کریم فقط از سه نفرشان^۱ (حضرت ابراهیم، سلیمان و یوسف علیهم السلام) نقل می‌کند که از خدا تقاضای ملحق شدن به صالحان را کرده‌اند و خداوند فقط به درخواست حضرت ابراهیم علیهم السلام جواب مثبت داده است، البته در آخرت.^۲

بنابراین، در مقامات صلاح، مرتبه‌ای است که این شایستگان تقاضای رسیدن به آن را دارند و قرآن کریم فقط در یک آیه پیامبر اکرم (ص) را به منزله صالح مطلق می‌خواند:

«إِنَّ وَلِيَّيَ أَتَى الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»^۳

به راستی ولی من هدایی است که کتاب را نازل کرد و او ولی صالحان است.

آن حضرت در راه‌های دیگر نیز به مثابه اولین تسلیم‌شونده در برابر خدای متعال معرفی^۴ و به اجرا کردن آن نیز مأمور شده است.^۵ البته این اولیت اعتبار زمان نیست، زیرا زمان آن حضرت آخر زمان پیامبران است، بلکه مقصود اولیت رتبی است که به معنای رسیدن به نهایت درجه بندگی و تسلیم وجودی و شئوئش در برابر حق تعالی است.

باید متوجه بود که رسیدن به مقام‌های عالی منحصر به وجود مبارک آن حضرت نیست، بلکه مقام‌های اعطایی خداوند فقط وابسته به اعطای اوست؛ مانند منصب نبوت، رسالت و امامت. از این روی، قرآن کریم در باره این که

۱. یوسف، آیه ۱۰۱؛ شعراء، آیه ۸۳ و نمل، آیه ۱۹.

۲. بقره، آیه ۱۳۰ و عنکبوت، آیه ۲۷.

۳. اعراف، آیه ۱۹۶.

۴. انعام، آیه ۱۶۳.

۵. زمر، آیه ۱۲ و انعام، آیه ۱۴.

رسول خدا ﷺ امتش را به مقامی دعوت می‌کند که خود به آن رسیده‌اند، می‌فرماید:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱

بگو ای پیامبر! این است راه من که به سوی خداوند از روی بصیرت دعوت می‌کنم خود و کسانی که از من تبعیت کنند. و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم.

پس انسان می‌تواند به درجاتی از کمال برسد که همه وجودش از درک حقایق عالم سرشار شود و چون دستیابی به چنین مقامی فقط در پرتو روشنایی عقل میسر است، در روایات از اعطای عقل به انسان سخن رفته است که با به کار بستن آن و اتصاف به اوصافش به درجات عالی از کمال می‌رسد. لذا در کتاب حاضر از ایجاد عقل و جهل و اوصاف هریک، از دیدگاه روایات بحث و بررسی می‌کنیم.

در پایان از مسئولان محترم مؤسسه بوستان کتاب و کارکنان فهیم و کاردان آن، که در آماده‌سازی و چاپ و نشر این اثر دل‌سوزانه تلاش کردند، به صورت ویژه سپاس‌گزارم.

۱. یوسف، آیه ۱۰۸.